



شدیدترین خشکسالی قرن در تهران؛

بی‌آبی در پایتخت به مرز بحران رسید

سال آبی گذشته با تنها ۱۵۹ میلی‌متر بارندگی، به خشک‌ترین سال قرن برای تهران بدل شد. در حالی که سدهای اصلی پایتخت در آستانه خروج از مدار بودند، مقام‌های آبفا هشدار داده‌اند که زیست‌بوم تهران توان تحمل جمعیت کنونی را ندارد و پایتخت در مرز بی‌آبی مطلق قرار گرفته است.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، محسن اردکانی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران اعلام کرد سال آبی گذشته با تنها ۱۵۹ میلی‌متر بارش، «شدیدترین خشکسالی یک قرن اخیر» در استان تهران رقم خورده است. او گفت در حالی که در برخی سال‌ها بارش به بیش از ۵۰۰ میلی‌متر می‌رسید، در پنج سال گذشته میانگین بارندگی پایتخت پیوسته پایین‌تر از حد نرمال بوده است.

اردکانی با اشاره به خطر بی‌آبی گسترده توضیح داد:

پیش‌بینی می‌شد که سد ماملو در پایان مرداد و سدهای امیرکبیر و لتیان در پایان شهریور از مدار بهره‌برداری خارج شوند و در آغاز مهرماه ۳۰ تا ۴۰ درصد تهران با بی‌آبی مطلق مواجه شود، اما با اقدامات فوری توانستیم شبکه را پایدار نگه داریم.

به گفته او، سرانه آب تجدیدشونده در تهران با احتساب سدهای طالقان و لار تنها ۲۵۰ مترمکعب و بدون احتساب آن‌ها ۱۸۰ مترمکعب به ازای هر نفر است — رقمی که از نظر کارشناسان «کمبود مطلق آب» به‌شمار می‌رود.

اردکانی همچنین افزود که میانگین هدررفت آب در تهران ۲۲.۱۶ درصد است، هرچند بخشی از آن ناشی از خطاهای اندازه‌گیری و مصارف غیرمجاز است.

مدیرعامل آبفا گفت که در شش‌ماهه نخست امسال با مدیریت فشار شبکه و تنظیم دقیق خطوط توزیع، ۱۲ میلیون مترمکعب هدررفت آب کاهش یافته و ۶۶ میلیون مترمکعب آب کمتر در شبکه جاری شده است.

اخبار محیط زیست ایران

تهران وارد پنجمین سال خشکسالی شد



سید علی شریفی معاون پیشگیری و کاهش خطر سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران با اشاره به ورود پایتخت به پنجمین سال خشکسالی گفت: شهر تهران در شرایط ویژه‌ای از نظر منابع آبی قرار دارد و عبور از این وضعیت نیازمند هماهنگی، همکاری و عزم جدی تمامی دستگاه‌ها و ارگان‌های مسئول است.

وی افزود: در راستای مدیریت منابع آبی، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران با همکاری شرکت آب و فاضلاب تهران به عنوان مسئول کارگروه شریان‌های حیاتی ستاد مدیریت بحران، اقدام به تهیه برنامه اجرایی کرده است.

این برنامه پس از اخذ تأییدیه دستگاه‌های متولی و تصویب در هشتمین جلسه ستاد مدیریت بحران کلانشهر تهران، وارد مرحله اجرا شده است.

بر اساس این برنامه، روند پایش، به‌روزرسانی و کنترل اقدامات دستگاه‌ها مطابق نقش و مسئولیت‌های تعریف‌شده در دستور کار قرار دارد.

برگرفته از امتداد



هوای تهران در مهرماه گذشته تنها ۱۰ روز کیفیت قابل قبول داشته است

بر اساس گزارش شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، هوای ماه گذشته پایتخت ایران ۱۰ روز قابل قبول، ۱۹ روز ناسالم برای گروه‌های حساس و یک روز ناسالم برای همه بوده است.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، آمار مشابه این شرکت برای سال ۱۴۰۳، ۲۲ روز هوای قابل قبول و هشت روز هوای ناسالم برای گروه‌های حساس بوده است.

این آمار نشان می‌دهد که هوای تهران در مهرماه ۱۴۰۳، دو روز ناسالم برای گروه‌های حساس و مابقی روزها قابل قبول بوده است.

این شرکت اعلام کرده که کیفیت هوای تهران در نخستین جمعه آبان ماه با شاخص ۱۰۸ در وضعیت نارنجی و آلوده برای گروه‌های حساس قرار دارد.

شاخص کیفیت هوا بر اساس میزان ریزگردها به پنج دسته تقسیم‌بندی می‌شود.

بر اساس این تقسیم‌بندی از عدد صفر تا ۵۰ هوا پاک، از ۵۱ تا ۱۰۰ هوا سالم یا متوسط، از ۱۰۱ تا ۱۵۰ هوا ناسالم برای گروه‌های حساس، از ۱۵۱ تا ۲۰۰ هوا ناسالم برای همه گروه‌ها، از ۲۰۱ تا ۳۰۰ هوا بسیار ناسالم و از ۳۰۱ تا ۵۰۰ شرایط کیفی هوا خطرناک است.

منبع: بی بی سی

رشد چشمگیر مرجان‌های کاشته‌شده در خلیج چابهار پس از سه سال

بازگشت توان طبیعی زیست‌بوم دریایی منطقه

مدیرکل دفتر حفاظت از زیست‌بوم‌ها و سواحل دریایی سازمان حفاظت محیط زیست از موفقیت‌آمیز بودن احیای آبسنگ‌های مرجانی کاشته‌شده در خلیج چابهار خبر داد و گفت: نتایج این پایش نشان می‌دهد که زیست‌بوم مرجانی منطقه پس از سه سال از کاشت



او تاکید کرد که با وجود این اقدامات، تنها راه عبور از بحران، کاهش مصرف خانگی است و باید میانگین مصرف روزانه از ۲۴۰ به ۱۳۰ لیتر برای هر نفر برسد.

به گفته اردکانی، ظرفیت تولید پساب استاندارد در تهران اکنون ۵۵۰ میلیون مترمکعب در سال است که در بخش کشاورزی و صنعت استفاده می‌شود. هدف برنامه هفتم توسعه افزایش این رقم به ۹۶۰ میلیون مترمکعب است تا جایگزین بخشی از منابع آب آشامیدنی شود.

این مقام وزارت نیرو تأکید کرد که «اکنون تمام تمرکز آبفای تهران بر مدیریت مصرف است» و هشدار داد که ادامه روند کنونی بارگذاری جمعیت و کاهش بارش‌ها می‌تواند پایتخت را وارد مرحله‌ای از بی‌آبی مزمن کند که بازگشت از آن بسیار دشوار خواهد بود.

ایران در سال‌های اخیر با بحرانی‌ترین دوره خشکسالی تاریخ معاصر خود روبه‌روست. کاهش بارندگی، افزایش دما و سوءمدیریت منابع آبی، موجب افت بی‌سابقه ذخیره سدها و فشار بر شبکه‌های آب شهری شده است. تهران، پایتختی که زیست‌بومش تنها گنجایش ۴ تا ۵ میلیون نفر را دارد اما امروز بیش از دو برابر این جمعیت را در خود جای داده، اکنون در آستانه بی‌آبی قرار گرفته است.

منبع: رادیو زمانه





این کنگره جایی است که سیاست‌های جهانی درباره حفاظت از طبیعت شکل می‌گیرد. هر کشور در آن می‌تواند پیشنهاد بدهد، تصمیم‌سازی کند و در مسیر اجرای پروژه‌های بین‌المللی نقش داشته باشد و برای کشوری مانند ایران، که از نظر تنوع‌زیستی در خاورمیانه جایگاهی ویژه دارد و درعین‌حال با بحران‌هایی چون کم‌آبی، تخریب زیستگاه‌ها و کاهش جمعیت گونه‌های شاخص روبه‌روست، حضور در چنین رویدادی یک ضرورت است نه یک انتخاب.

درواقع، هر حضور بین‌المللی از این دست می‌تواند درهای تازه‌ای برای همکاری‌های علمی، جذب بودجه‌های حفاظتی و حتی افزایش اعتبار کشور در حوزه محیط‌زیست باز کند.

برای ایران، حضور در IUCN اهمیت چندگانه دارد:

- علمی و پژوهشی: ارتباط مستقیم با مراکز علمی، کمیسیون‌های تخصصی و فرصت همکاری بین‌المللی.
- اقتصادی: جذب منابع مالی برای پروژه‌های ملی از صندوق‌های جهانی مانند GEF و Green Climate Fund.
- سیاسی و دیپلماتیک: حضور در صحنه گفت‌وگوی جهانی، جایی که اعتبار، نفوذ و تصویر بین‌المللی کشور ساخته می‌شود.

درواقع، IUCN عرصه‌ای است که در آن علم و سیاست به هم گره می‌خورند و کشورها می‌توانند از مسیر حفاظت از طبیعت، چهره‌ای مسئول، صلح‌طلب و پیشرو از خود نشان دهند.

چرا ایران حضور نداشت؟

در فهرست رسمی شرکت‌کنندگان کنگره ۲۰۲۵، نام ایران دیده نمی‌شد. درحالی‌که کشورهای منطقه مانند امارات، قطر، عربستان، ترکیه و حتی افغانستان هیئت‌های فعالی داشتند و پروژه‌های خود را معرفی کردند، ایران از این فرصت بی‌نظیر جا ماند.

فرصت از دست‌رفته ایران در کنگره جهانی حفاظت ۲۰۲۵

اشکان اشعریون فعال محیط زیست :



کنگره جهانی حفاظت اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رویدادهای زیست‌محیطی دنیاست که هر چهار سال، دانشمندان، سیاست‌گذاران و فعالان محیط‌زیست از سراسر جهان گرد هم می‌آورد تا درباره آینده طبیعت تصمیم بگیرند.

کنگره ۲۰۲۵ در ابوظبی برگزار شد؛ شهری که برای چند روز به مرکز گفت‌وگو درباره تنوع‌زیستی و آینده زمین تبدیل شد. بیش از ۹ هزار نفر از ۱۶۰ کشور حضور داشتند، اما در میان همه پرچم‌ها و نام‌ها، ایران غایب بود. نه نماینده‌ای رسمی از دولت، نه حضور فعالی از سازمان حفاظت محیط‌زیست. همین غیبت، خود پیامی تلخ بود: ما در گفت‌وگوی جهانی درباره آینده طبیعت کشورمان، جایی نداشتیم. غیبتی که تنها یک اتفاق اجرایی نیست، بلکه نشانه‌ای از ضعف در دیپلماسی محیط‌زیست و از دست‌رفتن فرصتی ارزشمند برای اثرگذاری در عرصه بین‌المللی است.

چرا این کنگره مهم است؟

کنگره جهانی حفاظت اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) فقط یک نشست علمی نیست.



جهان از بین رفت و در شرایطی که بسیاری از کشورها از «دیپلماسی محیط زیست» برای بهبود تصویر جهانی خود بهره می گیرند، ایران در سکوت خبری از کنار این فرصت گذشت. اینها همان فرصت هایی هستند که کشورهای دیگر به خوبی از آن استفاده کردند و در پروژه های جهانی جایگاه خود را تثبیت کردند.

رسانه ها و سکوتی که معنا دارد

شاید عجیب تر از غیبت ایران، سکوت رسانه های داخلی بود. در حالی که رسانه های منطقه ای به صورت گسترده این کنگره را پوشش دادند و از حضور هیئت هایشان گزارش تهیه کردند، در ایران تقریباً هیچ اشاره ای به این رویداد نشد.

این سکوت رسانه ای فقط یک غفلت خبری نیست؛ نشانه ای از شکاف عمیق میان محیط زیست و گفتمان عمومی در کشور است. در حالی که در بسیاری از کشورها خبرنگاران محیط زیست از کنگره های بین المللی گزارش می فرستند و افکار عمومی را درگیر می کنند، در ایران چنین رویدادهایی حتی به گوش بسیاری از فعالان هم نمی رسد. **این سکوت فقط یک بی خبری ساده نیست؛ بلکه نشان می دهد موضوعات محیط زیستی هنوز در رسانه های ما به عنوان موضوعی ملی و سیاسی جدی گرفته نمی شوند.** اگر قرار است محیط زیست در کشور جدی گرفته شود، باید رسانه ها هم در این مسیر نقش فعال تری پیدا کنند؛ از اطلاع رسانی گرفته تا مطالبه گری.

اهمیت دیپلماسی محیط زیست

در قرن ۲۱، محیط زیست فقط یک موضوع علمی نیست؛ بخشی از سیاست خارجی و روابط بین الملل کشورهاست. کشورهایی که با زبان حفاظت از طبیعت وارد گفت و گو می شوند، اغلب در حوزه های دیگر نیز اعتبار و اعتماد بین المللی به دست می آورند. ایران با موقعیت ژئواکولوژیک ویژه، می تواند محور همکاری های منطقه ای در حوزه مدیریت آب، مقابله با بیابان زایی و حفاظت از گونه های مشترک باشد.

اما این هدف تنها زمانی محقق می شود که دیپلماسی محیط زیست با آموزش دیپلمات های تخصصی، حضور

دلایل این غیبت را می توان در چند عامل جست و جو کرد:

- کاهش ارتباطات بین المللی سازمان حفاظت محیط زیست و تمدید نشدن عضویت های رسمی در نهادهای جهانی؛

- مشکلات مالی و اداری که مانع از اعزام کارشناسان و تشکیل هیئت های رسمی شده؛

- و شاید از همه مهم تر، نبود نگاه راهبردی به دیپلماسی محیط زیست در سطح ملی.

در حالی که کشورهای همسایه با برنامه ریزی دقیق حضور پیدا کردند و پروژه های مشترک منطقه ای پیشنهاد دادند، ایران از صحنه گفت وگوهای جهانی کنار مانده بود.

در شرایطی که دیپلماسی محیط زیست به یکی از ابزارهای نرم قدرت در جهان تبدیل شده است، نبود ایران در چنین مجامعی به معنی از دست دادن جایگاهی است که می توانست برای کشور اعتبار و نفوذ ایجاد کند.

چه فرصت هایی از دست رفت؟

غیبت ایران در این کنگره فقط یک غیبت تشریفاتی نبود؛ پیامدهای واقعی داشت.

نخست اینکه در تدوین قطعنامه های منطقه ای درباره بیابان زدایی، تغییر اقلیم و حفاظت از گونه های آسیایی، نام ایران در میان امضا کنندگان نبود و ایران از فرایند تصمیم سازی جهانی درباره منطقه خود کنار ماند.

دوم، فرصت جذب منابع مالی بین المللی از صندوق هایی مانند GEF و Green Climate Fund از بین رفت. پروژه های منطقه ای بدون حضور ایران تعریف شدند. پروژه هایی که می توانست شامل تالاب های هامون، دریاچه ارومیه یا زیستگاه های زاگرس باشد.

سوم، صدای کارشناسان و پژوهشگران ایرانی که می توانستند تجربه های ارزشمند خود را مطرح کنند، شنیده نشد. فرصت معرفی چهره های مثبت از ایران در



حالا زمان آن رسیده که دیپلماسی محیط‌زیست، از حاشیه تصمیم‌ها به متن سیاست و رسانه بازگردد. آینده حفاظت از طبیعت ایران، در گرو همین بازگشت است.

برگرفته از سایت پیام ما

اقتصاد محیط زیست و بوم‌شناسی برای توسعه پایدار

موکش کومار میشر، میتا جاخانوال، ترجمه زهرا انوشه/

✓ اقتصاد با بهره‌گیری از مدل‌های قدرتمند، به تبیین شکست‌های بازار در عرصه محیط‌زیست و راهکارهای سیاستی برای مقابله با آن‌ها می‌پردازد. اقتصاد محیط‌زیست نقشی کلیدی در طراحی سیاست‌های عمومی برای ارتقای کیفیت محیط‌زیست ایفا می‌کند.

اقتصاد بوم‌شناختی یک تلاش فرارشته‌ای برای پیوند علوم طبیعی و اجتماعی، و به‌ویژه بوم‌شناسی و اقتصاد است.

هدف آن ایجاد یک درک علمی از پیوندهای پیچیده بین انسان‌ها و سایر اجزا و اعضای طبیعت، و استفاده از آن درک برای توسعه سیاست‌هایی است که بر پایه پایداری بوم‌شناختی استوار است، توزیع عادلانه‌ای از منابع دارد و منابع کمیاب از جمله سرمایه «طبیعی» و «اجتماعی» را به نحوی کارآمد تخصیص می‌دهد.

اقتصاد محیط‌زیست بر منابع طبیعی یک جامعه تمرکز دارد و نحوه تصمیم‌گیری‌هایی را که منجر به تخریب محیط‌زیست و بهبودهای محیط‌زیستی می‌شود، بررسی می‌کند. اقتصاد محیط‌زیست یک موضوع تحلیلی است.

یکی از مهم‌ترین سؤالات در علم محیط‌زیست این است که چگونه می‌توان بهبود رفاه انسان در محدوده منابع طبیعی زمین را تداوم بخشید.

منبع: سایت سرخوم

فعال در نهادهای بین‌المللی و ایجاد پیوند میان پژوهشگران و سفارتخانه به‌صورت سازمان‌یافته دنبال شود. در جهانی که بحران‌های محیط‌زیستی مرز نمی‌شناسند، حضور در عرصه‌های بین‌المللی به معنای حضور در آینده است.

مسیر بازگشت

غیت در IUCN ۲۰۲۵ پایان راه نیست. بلکه زنگ هشدار است که باید ما را به بازنگری در سیاست‌های بین‌المللی محیط‌زیست کشور وادارد.

برای جبران، چند گام کلیدی ضروری است:

۱. احیای ارتباط رسمی ایران با IUCN و تمدید عضویت‌های نهادهای ملی و NGOهای ایرانی؛

۲. بازنگری در ساختار و تشکیل کارگروه دیپلماسی محیط‌زیست با حضور کارشناسان، دانشگاهیان و دیپلمات‌های باتجربه؛

۳. تربیت نسل جدیدی از کارشناسان بین‌المللی محیط‌زیست؛

۴. حمایت از خبرنگاران و پژوهشگران محیط‌زیست برای حضور در رویدادهای جهانی؛

۵. همکاری‌های منطقه‌ای هدفمند با کشورهای که تجربه و امکانات بیشتری دارند.

بازگشت ایران به صحنه جهانی حفاظت از طبیعت نه تنها به نفع محیط‌زیست داخلی است، بلکه می‌تواند اعتبار بین‌المللی کشور را در مسیری مثبت و سازنده تقویت کند. کنگره جهانی IUCN ۲۰۲۵ فرصتی بود برای گفت‌وگو، همکاری و تصمیم‌گیری درباره آینده زمین. فرصتی که ایران به‌سادگی از کنار آن گذشت. در جهانی که هر روز بیشتر از گذشته درباره طبیعت تصمیم‌های مشترک گرفته می‌شود، غیت در این گفت‌وگو به معنای نداشتن صداست.

ایران با داشتن کوه‌ها، جنگل‌ها، تالاب‌ها و گونه‌هایی که میراث طبیعی جهان‌اند، سزاوار آن است که در تصمیم‌های جهانی درباره طبیعت حضور داشته باشد.



در حالی که میزان تولید برق هنوز اندک است، پژوهشگران معتقدند که پیشرفت‌های جاری در مواد پرووسکایت، تکنالوژی نقاط کوانتومی، و بهینه‌سازی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند کارایی را به طور چشمگیری بهبود بخشد.

در آینده، انرژی تجدیدپذیر ممکن است تنها به خورشید متکی نباشد -- بلکه به نور ملایمی که از ماه منعکس می‌شود نیز وابسته باشد.

<https://www.insightsonindia.com/2025/04/22/moonlight-solar-panel-technology/>

سرعت بی‌سابقه افزایش سطح دریاها؛ رکورد ۴۰۰۰ ساله شکسته شد

نتیجه تحقیقاتی درباره تغییرات سطح آب دریا در طول حدود ۱۲ هزار سال گذشته نشان می‌دهد که سطح آب دریاهای جهان از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۲۰ بسیار سریع‌تر از هر دوره دیگری در ۴۰۰۰ سال گذشته بالا رفته است.

بر اساس گزارش یک گروه پژوهشی به سرپرستی یوچنگ لین، از دانشگاه راتگرز در پیسکاتاوی (ایالت نیوجرسی آمریکا) که در نشریه علمی "نیچر" منتشر شده، افزایش کنونی سطح دریا عمدتاً به دو عامل بازمی‌گردد.

نخست گرم‌تر شدن آب اقیانوس‌ها که به انبساط حرارتی آن می‌انجامد.

دوم، ذوب شدن یخچال‌های کوهستانی و صفحات یخی گرینلند و قطب جنوب که باعث سرازیری بیشتر آب به اقیانوس‌ها می‌شود.

یوچنگ لین در بیانیه دانشگاهی خود توضیح می‌دهد: «یخچال‌های طبیعی سریع‌تر واکنش نشان می‌دهند، زیرا از صفحات یخی که اغلب وسعتی به اندازه یک قاره دارند، کوچکترند. در حال حاضر در گرینلند شاهد شتابی فزاینده هستیم.»

اخبار و مقالات محیط زیست جهان

تولید برق از نور مهتاب: گامی به سوی انرژی تجدیدپذیر ۲۴ ساعته



در یک پیشرفت علمی که زمانی غیرممکن به نظر می‌رسید، پژوهشگران اولین دستگاه در جهان را توسعه داده‌اند که قادر است نور مهتاب را به برق تبدیل کند -- این یک گام بزرگ به سوی تأمین انرژی تجدیدپذیر به صورت شبانه‌روزی است. این سیستم که توسط تیمی از دانشگاه استنفورد با همکاری شرکای بین‌المللی ایجاد شده، سلول‌های فوتوولتائیک فوق‌حساس را با جنراتورهای ترموالکتریک یکجا می‌کند تا نور ضعیف ماه را که به زمین می‌رسد (حدود ۰.۲۵ وات در هر متر مربع) جذب نماید.

نمونه‌های اولیه فعلی می‌توانند در زیر نور کامل مهتاب حدود ۵۰ میلی‌وات در هر متر مربع برق تولید کنند، که برای تأمین انرژی دستگاه‌های کوچک و کم مصرف مانند سنسورها، ایستگاه‌های آب و هوا، یا چراغ‌های اضطراری کافی است.

این نوآوری مستقیماً محدودیت اصلی انرژی خورشیدی را حل می‌کند: یعنی عدم توانایی آن پنل‌های خورشیدی برای کار در شب.

با جمع‌آوری هم نور خورشید و هم نور مهتاب، سیستم‌های ترکیبی می‌توانند تولید انرژی پاک را بدون نیاز به سوخت یا انتشار آلاینده‌ها به صورت پیوسته حفظ کنند.



این داده‌ها در نرم‌افزار مدل‌سازی‌ای که ساخته خود یوچنگ لین است، وارد شده‌اند. این نرم‌افزار قادر است علل مختلف بالا یا پایین رفتن سطح آب دریا را تشخیص دهد.

برای مثال، فرورانش یک صفحه زمین‌ساختی زیر صفحه دیگر می‌تواند باعث بالا آمدن صفحه بالایی شود. از سوی دیگر، بسیاری از شهرهای ساحلی در نزدیکی مصب رودخانه‌ها قرار دارند؛ جایی که به دلیل فشار ناشی از ساختمان‌ها و جاده‌ها، زمین رسوبی فشرده شده و نشست می‌کند و باعث افزایش بیشتر سطح آب دریا می‌شود.

پژوهشگران این پدیده را با استفاده از نمونه‌هایی در سواحل جنوب شرقی چین نشان می‌دهند. طبق یافته‌های آنان، بخش‌هایی از شانگهای در قرن بیستم، نه فقط به دلیل فرونشست طبیعی خاک، بلکه به‌خاطر استخراج گسترده آب‌های زیرزمینی، بیش از یک متر نشست کرده است.

سایر شهرهای ساحلی، وضعیت بدتری داشته‌اند. مثلاً جاکارتا، پایتخت پیشین اندونزی، آن‌قدر نشست کرده که بخش‌هایی از آن پایین‌تر از سطح دریا قرار دارد و به همین خاطر آب باید پیوسته از آنجا تخلیه شود.

پیامدهای احتمالی برای ایران

افزایش شتابان سطح آب دریاها می‌تواند پیامدهایی مستقیمی هم برای مناطق ساحلی ایران داشته باشد. خلیج فارس به دلیل کم‌عمق بودن، در برابر بالا آمدن آب بسیار حساس است و حتی افزایش اندک آن نیز می‌تواند به پیشروی آب شور به زمین‌های کشاورزی، فرونشست سریع‌تر زمین، تخریب زیستگاه‌های ساحلی منجر شود و تهدیدی احتمالی برای تأسیسات نفتی و بندری باشد.

در صورت تشدید گرمایش و تغییر الگوی بارش، در مناطق ساحلی دریای خزر نیز بالا آمدن سطح آب دریا و جابه‌جایی خط ساحلی می‌تواند زیرساخت‌های محل، شهرهای گردشگرپذیر و تالاب‌های ارزشمند را در معرض تهدید قرار دهد.



شتاب‌گیری افزایش سطح آب دریاها

بر اساس این مطالعه، پس از پایان آخرین دوره یخبندان، سطح آب دریاها بین ۱۱ هزار و ۷۰۰ سال تا حدود ۸ هزار و ۲۰۰ سال پیش، با شدتی ویژه و میانگین سالانه ۱۰/۷ میلی‌متر، بالا رفته است.

حدود ۶۰۰۰ سال پیش این رقم به ۲/۸ میلی‌متر در سال کاهش یافته و نزدیک به ۳۰۰۰ سال پیش، افزایش سالانه به تنها ۰/۴ میلی‌متر رسیده و سپس باز هم کاهش پیدا کرده است.

سطح آب دریا در ۴۰۰۰ سال گذشته نسبتاً ثابت و با نوسانات محدود باقی مانده، اما از قرن نوزدهم ورق برگشته است. در نیمه نخست قرن نوزدهم، افزایش سالانه تنها حدود ۰/۱ میلی‌متر بوده، اما در نیمه دوم به ۰/۷۶ میلی‌متر رسیده است.

دانشمندان میانگین افزایش سالانه بین ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ میلادی را ۱/۵۱ میلی‌متر برآورد می‌کنند. تحقیقات دیگر نیز نشان می‌دهد که این روند پیوسته در این دوره شتاب گرفته است.

علل مختلف

برای این مطالعه، تیم پژوهشی هزاران داده از منابع گوناگون، از جمله صخره‌های مرجانی باستانی و جنگل‌های مانگرو را که همچون بایگانی طبیعی ارتفاع سطح گذشته دریاها عمل می‌کنند، بررسی کرده است.



جنگل‌های بارانی گرمسیری به‌ویژه تحت تأثیر این وضعیت قرار گرفته‌اند. به‌گفته فائو، ۸۸ درصد از جنگل‌زدایی جهانی در این مناطق رخ می‌دهد.

بزرگترین نگرانی همچنان منطقه آمازون در برزیل است، جایی‌که مناطق وسیعی باید برای استفاده‌های کشاورزی کنار بروند. اگرچه جنگل‌زدایی در آنجا در مقایسه با دهه ۱۹۹۰ تقریباً نصف شده است، اما به‌گفته سازمان «دیده‌بان جهانی جنگل (Global Forest Watch)»، سال ۲۰۲۴ نقطه اوج غم‌انگیزی را رقم زد: به اندازه سال ۲۰۰۲، جنگل‌های بارانی دست‌نخورده بر اثر آتش‌سوزی از بین رفتند.

در مجموع، فائو در ۱۰ سال گذشته سالانه ۴.۱۲ میلیون هکتار «خسارت خالص جنگلی» ثبت کرده است - این بهبودی قابل توجه در مقایسه با دهه ۱۹۹۰ است که این ارقام دو تا سه برابر بیشتر بودند. منظور فائو از «خسارت خالص» تراز بین مناطق قطع‌شده و مناطقی است که دوباره جنگل‌کاری شده‌اند.

بر اساس این گزارش، ۳۲ درصد از سطح خشکی جهانی، معادل حدود ۴.۱۴ میلیارد هکتار، با جنگل پوشیده شده است. بیش از نیمی از آن تنها در پنج کشور قرار دارد: روسیه، برزیل، کانادا، ایالات متحده آمریکا و چین.

توهم خطرناک

گزارش جدید فائو پیشرفت در زمینه جنگل‌زدایی به نظر می‌رسد؛ اما این توهمی خطرناک است. در واقع ۱۱ میلیون هکتار از دست دادن جنگل در سال، موفقیت نیست؛ فاجعه آرام زیست‌محیطی است.

جامعه بین‌المللی سیاست‌های نمادین به‌کار می‌برد، در حالی‌که اره‌های برقی به کار خود ادامه می‌دهند.

پیامدهای آن مدت‌هاست که نه‌تنها حیوانات یا گیاهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه آب و هوا، تأمین آب و در نهایت خود انسان را نیز تهدید می‌کند. وقتی برزیل می‌سوزد، ریه‌های سبز زمین در حال سوختن است. و جهان همچنان فقط نظاره‌گر است.

پژوهشگران تأکید می‌کنند که بدون سیاست‌های پیشگیرانه سازگار با اقلیم، توسعه کنترل‌نشده ساحل‌نشینی، و فقدان مدیریت آب‌های زیرزمینی و فرسایش خاک، شهرهای جنوبی و شمالی ایران نیز می‌توانند در دهه‌های آینده با مخاطراتی مشابه شانگهای و جاکارتا روبه‌رو شوند.

برگرفته از سایت دویچه وله

انسان در حال نابودی خود است! جهان همچنان در حال از دست دادن مناطق وسیع جنگلی است



با وجود پیشرفت‌های اندک، جنگل‌زدایی همچنان مشکل فاجعه‌بار جهانی است.

طبق گزارش سازمان ملل، سالانه نزدیک به ۱۱ میلیون هکتار جنگل - عمدتاً در مناطق استوایی - از بین می‌رود. آستانه خودنابودی تقریباً فرا رسیده است.

در گزارش پنج‌ساله جدید سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) - فائو (که روز سه‌شنبه ۲۹ مهر / ۲۱ اکتبر منتشر شد، از نرخ سالانه جنگل‌زدایی به‌میزان ۱۰.۹ میلیون هکتار سخن به میان آمده است. این میزان معادل بیش از ۱۲ کیلومترمربع جنگل است که هر ساعت بر اثر قطع درختان یا آتش‌سوزی از دست می‌رود.



جنگل‌های بارانی گرمسیری مانند آمازون به‌ویژه حیاتی هستند. پژوهشگران هشدار می‌دهند که حتی از دست دادن ۲۰ تا ۲۵ درصد از منطقه آمازون احتمالاً کل اکوسیستم را دچار دگرگونی خواهد کرد و تأثیرات جهانی خواهد داشت. با تعمیم این موضوع به تمامی جنگل‌های جهان، احتمالاً از دست دادن بیش از نیمی دیگر قابل جبران نخواهد بود.

اگر جنگل‌زدایی جهانی با سرعت کنونی خود ادامه یابد، ممکن است طی ۱۰ تا ۲۰ سال آینده به نقاط عطف بحرانی - مثلاً در منطقه آمازون - برسیم. این امر سبب آسیب‌های زیست‌محیطی برگشت‌ناپذیری خواهد شد و بقای انسان را نیز به خطر خواهد انداخت.

اگر اقدامات متقابل جدی انجام نشود، انتظار می‌رود نقطه اوج در آمازون - و به‌همراه آن یک اثر دومینوی زیست‌محیطی جهانی - حداکثر تا سال ۲۰۴۵ فرا برسد. فرصت برای اقدام مؤثر هر لحظه کمتر و کمتر می‌شود. بشریت در آستانه فروپاشی قرار دارد.

این بدان معنا نیست که بشریت فوراً «نابود» خواهد شد، اما موجی از بحران‌ها را به‌دنبال خواهد داشت: گرسنگی، کمبود آب، مهاجرت، بیماری‌ها، بی‌ثباتی سیاسی و فروپاشی اقتصادی. تمدنی که ما می‌شناسیم به‌شدت در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

<https://t.me/iv?url=https://www.radiozamaneh.com/867766/&rhash=0ceb6994783a68>

هشدار سازمان ملل: نزدیک به ۹۰۰ میلیون نفر از مردم فقیر در معرض شوک‌های اقلیمی هستند

سازمان ملل هشدار داده که نزدیک به ۸۰ درصد از فقیرترین مردم جهان، مستقیماً در معرض خطرات اقلیمی تشدیدشده توسط گرمایش زمین قرار دارند. آن‌ها «بار مضاعف و عمیقاً نابرابری» را تحمل می‌کنند

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، هائولیانگ شو، مدیر موقت برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP)، جمعه ۲۵ مهر / ۱۷ اکتبر در بیانیه‌ای گفت:

اگر همه جنگل‌ها نابود شوند، فروپاشی‌های گسترده زیست‌محیطی، اقلیمی و اجتماعی رخ خواهد داد. زمین توانایی خود را برای ذخیره دی‌اکسید کربن، تنظیم آب و فراهم کردن زیستگاه‌ها از دست خواهد داد و این پیامدهای فاجعه‌باری برای انسان و طبیعت خواهد بود.

تحقیقات از یک آستانه مشخص به صورت درصد صحبت نمی‌کنند، بلکه از به‌اصطلاح مرزهای ظرفیت سیاره‌ای صحبت می‌کنند. یکی از این محدودیت‌ها مربوط به تغییر کاربری زمین، به‌ویژه جنگل‌زدایی است. عبور از این حد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به اقلیم، تنوع زیستی و بنیان‌های زندگی انسان وارد می‌کند.

بر اساس مطالعات «مرکز تاب‌آوری استکهلم» (Stockholm Resilience Centre)، دست‌کم ۷۵ درصد از پوشش جنگلی اولیه باید حفظ شود تا پایداری سامانه زمین تضمین شود. در حال حاضر، حدود ۳۲ درصد از سطح خشکی جهانی با جنگل پوشیده شده است، که به‌طور قابل توجهی کمتر از سطح تاریخی است.

ارزیابی کلی

با در نظر گرفتن پیامدهای جنگل‌زدایی جهانی، می‌توان یک ارزیابی کلی ارائه داد: از دست دادن حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از مساحت جنگلی جهان می‌تواند برای عبور از چندین نقطه بحرانی زیست‌محیطی با پیامدهای بالقوه فاجعه‌بار برای آب و هوا، تنوع زیستی و بنیان زندگی انسان کافی باشد.

این ارزیابی بر اساس مدل‌ها و مطالعات علمی مختلف در مورد مرزهای ظرفیت سیاره‌ای است. جنگل‌ها تثبیت‌کننده‌های اصلی اکوسیستم جهان هستند. از دست دادن وسیع آن‌ها منجر به:

- کاهش شدید ظرفیت ذخیره‌سازی دی‌اکسید کربن (CO_2) زمین،

- مختل شدن چرخه آب در سطح منطقه‌ای و جهانی،

- کاهش گسترده تنوع گونه‌ها،

و به‌خطر انداختن بنیان‌های زندگی میلیاردها انسان خواهد شد.



آشپزخانه چوب‌سوز و ذغال‌سنگ دارد و هیچ‌یک از کودکان به مدرسه نمی‌روند.

این گزارش می‌گوید: «زندگی آن‌ها بازتاب‌دهنده واقعیت‌های چندبُعدی فقر است».

اولویت‌بندی «مردم و سیاره»

دو منطقه‌ای که به‌طور خاص تحت‌تأثیر چنین فقری قرار دارند، آفریقای جنوب صحرا (مناطق جنوب صحرای بزرگ آفریقا) و جنوب آسیا هستند. مناطق فوق‌همچنین در برابر تأثیرات تغییرات اقلیمی بسیار آسیب‌پذیرند.

این گزارش بر ارتباط بین فقر و قرار گرفتن در معرض چهار خطر زیست‌محیطی تأکید می‌کند: گرمای شدید، خشکسالی، سیل و آلودگی هوا.

در این گزارش آمده است:

خانوارهای فقیر به‌ویژه در برابر شوک‌های اقلیمی آسیب‌پذیرند زیرا بسیاری به بخش‌هایی مانند کشاورزی و کار غیررسمی که بسیار آسیب‌پذیر هستند، وابسته‌اند.

هنگامی که خطرات هم‌پوشانی دارند یا مکرراً رخ می‌دهند، محرومیت‌های موجود را تشدید می‌کنند.

در نتیجه، براساس این گزارش، ۸۸۷ میلیون نفر، یا تقریباً ۷۹ درصد از این جمعیت‌های فقیر، مستقیماً در معرض دست‌کم یکی از این تهدیدها قرار دارند، به‌طوری‌که ۶۰۸ میلیون نفر از گرمای شدید، ۵۷۷ میلیون نفر از آلودگی، ۴۶۵ میلیون نفر از سیل و ۲۰۷ میلیون نفر از خشکسالی رنج می‌برند.

تقریباً ۶۵۱ میلیون نفر در معرض حداقل دو خطر، ۳۰۹ میلیون نفر در معرض سه یا چهار خطر هستند و ۱۱ میلیون نفر فقیر هر چهار مورد را در یک سال تجربه کرده‌اند.

این گزارش می‌افزاید: «هم‌زمانی فقر و خطرات اقلیمی آشکارا موضوعی جهانی است».



هیچ‌کس از تأثیرات مکرر و بیشتر تغییرات آب‌وهوایی مانند خشکسالی، سیل، موج‌گرمای و آلودگی هوا مصون نیست، اما این فقیرترین افراد در میان ما هستند که با شدیدترین تأثیرات مواجه‌اند.

او اجلاس آب‌وهوایی سازمان ملل (COP30) در ماه نوامبر در برزیل را لحظه‌ای دانست که **رهبران جهان باید «به اقدام اقلیمی به‌عنوان اقدامی علیه فقر نگاه کنند.»**

فقر چندبُعدی و آسیب‌پذیری

طبق تحقیقات سالانه‌ای که برنامه توسعه سازمان ملل و «ابتکار فقر و توسعه انسانی» دانشگاه آکسفورد منتشر کرده‌اند، ۱٫۱ میلیارد نفر، یا حدود ۱۸ درصد از ۶٫۲ میلیارد نفر ساکن ۱۰۹ کشوری که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بر اساس عواملی مانند مرگ‌ومیر نوزادان و دسترسی به مسکن، بهداشت، برق و آموزش، در فقر «چندبُعدی حاد» زندگی می‌کنند. نیمی از این افراد خردسال هستند.

یکی از نمونه‌های چنین محرومیت شدیدی که در این گزارش ذکر شده است، مورد ریکاردو، یکی از اعضای جامعه بومی گوارانی است که در خارج از سانتا کروز د لا سیرا، بزرگ‌ترین شهر بولیوی، زندگی می‌کند. ریکاردو که به‌عنوان کارگر روزمزد درآمد ناچیزی کسب می‌کند، خانه کوچک تک‌خانواری خود را با ۱۸ نفر دیگر از جمله سه فرزند، والدین و سایر اعضای خانواده بزرگ خود شریک است. این خانه تنها یک حمام، یک



تهدیدی برای پیشرفت توسعه

افزایش رویدادهای شدید اقلیمی، پیشرفت توسعه را تهدید می‌کند. درحالی‌که جنوب آسیا در مبارزه با فقر پیشرفت کرده است، ۹۹٫۱ درصد از جمعیت فقیر آن در معرض دست‌کم یک خطر اقلیمی قرار دارند.

این گزارش می‌گوید، منطقه جنوب آسیا «باید بار دیگر مسیر جدیدی را ترسیم کند، مسیری که کاهش قاطعانه فقر را با اقدامات نوآورانه اقلیمی متعادل کند.»

با گرم‌شدن سریع سطح زمین، وضعیت احتمالاً بدتر خواهد شد و کارشناسان هشدار می‌دهند که فقیرترین کشورهای امروزی بیشترین آسیب را از افزایش دما خواهند دید.

در این گزارش آمده است: «پاسخ به خطرات هم‌پوشان، مستلزم اولویت‌بندی هم مردم و هم سیاره است و مهم‌تر از همه، حرکت از شناخت به سوی اقدام سریع است.»

منبع: رادیو زمانه

چین، الگوی توسعه پایدار؛ آشتی فناوری و محیط زیست به سبک چینی



توسعه به سبک چین که تلفیقی از پیشرفت های چشمگیر در حوزه فناوری های نوین و در عین حال، توجه جدید به مسائل زیست محیطی، امروز به یک الگوی جامع و پرتعداد در بین بسیاری از کشورها در نقاط مختلف جهان تبدیل شده و کشورهای زیادی

در حال اجرای الگوی های توسعه به سبک چینی هستند.

به عنوان مثال، در استان "کیپ شمالی" در کشور آفریقای جنوبی، جوامع محلی با یادگرفتن از الگوی "روستاهای اکولوژیک" چین، منابع بومی را به فرصت‌های پایدار فرهنگی و گردشگری تبدیل کرده اند و آن را به یک منبع درآمد برای خود تبدیل کرده اند.

در منطقه نوکاس "ازبکستان هم، یک پروژه آزمایشی مشترک چین-ازبکستان با ترکیبی از انرژی خورشیدی و آبیاری هوشمند برای کشت پنبه اجرا شده که همزمان به بهبود کیفیت خاک و افزایش بهره‌وری کشاورزی منجر شده است.

بندر "چانکای" در پرو در منطقه آمریکای لاتین هم یکی دیگر از نمونه های الگوبرداری از پیشرفت و توسعه به سبک چین است. بندر چانکای پرو نیز با یاد گرفتن از تجربیات چین، مرکز حفاظت از حیات وحش تأسیس کرده که به پایش مستمر اکوسیستم‌های دریایی و تالابی می‌پردازد.

این مثال های بازار به روشنی نشان می‌دهد چگونه نظریه چینی "آب‌های زلال و کوه‌های سرسبز، دارایی‌های بی‌قیمت"، به ارائه راهکارهای توسعه به سبک چینی برای پایداری محیط زیست جهانی تبدیل شده است.

دستیابی به توسعه متوازن، همواره یکی از چالش های دیرینه بشریت بوده است. تمدن صنعتی و صنعتی شدن جوامع اگرچه ثروت های بی‌سابقه ای ایجاد کرد، اما درعین حال آسیب‌های اکولوژیک زیادی نیز به دنبال داشته است. الگوی توسعه به سبک چین با تأکید بر وابستگی متقابل رشد اقتصادی و حفاظت زیست‌محیطی نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی نباید به قیمت از بین بردن منابع طبیعی باشد، ضمن اینکه حفاظت از محیط زیست هم لزوماً مانع پیشرفت اقتصادی نیست.

آتیلا گراندپیر رئیس مرکز تحقیقات بوداپیست برای پایداری بلندمدت بر این باور است که این نوع نگاه به توسعه، ریشه در خرد فرهنگ سنتی چین دارد و نشان



درختان و تاثیرات دمایی

رسانه سبز آبی



دهند این اندیشه عمیق است که انسان و طبیعت "چرخه حیات" واحدی را تشکیل می‌دهند.



گام‌های بلند چین به سمت انرژی‌های سبز، تولید خودروهای برقی و ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی و بادی نقش بسیار موثری در حفاظت از محیط زیست در عین حامل کمک به پیشرفت فناوری دارد.

چین با بیش از یکصد کشور جهان در زمینه پروژه‌های انرژی سبز همکاری کرده و این نقش قابل توجهی در کمک به حیات محیط زیست جهان انجام داده است.

آیمارا گاردل رئیس مرکز مطالعات چین در ونزوئلا این گونه می‌گوید که "سیاست‌های آب و هوایی با کمک توسعه سبز عادلانه و کارآمد، به حیات بشریت کمک کرده و به یک الگوی مهم جهانی برای کاهش کربن تبدیل شده است."

چین به عنوان بزرگ‌ترین کشور در حال توسعه، مسیری نوین برای ایجاد آشتی میان «توسعه سریع» و «حفاظت از محیط زیست» ترسیم کرده است.

منبع: شبکه تلویزیونی جهانی چین

جهت تماس با بولتن محیط زیست

bulletinenviro@gmail.com